با واقعیت‌ها کنار بیاییم

حسین زراعتکار
کارشناس آب زیرزمینی

در ماهنامهٔ دنیای پسته شماره ۷۲، اینجانب در نقدی بر مصاحبهٔ خانم بنفشه زهرایی دبیر کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی وزارت نیرو و نیز یادداشت آقای محمدی، باغدار منطقه زرند، مطالبی را تحت عنوان «دو دیدگاه در یک قاب» نوشتم. در ارتباط با مطالب مذکور، جناب آقای محمدی لطف فرمودند و نظرات خویش را ارائه نمودند که در همان شماره به چاپ رسیده‌است. قبل از هر چیز لازم است از ایشان بابت ارائه نظریات‌شان تشکر کنم. امید است که این‌گونه مباحثات به روشن شدن ابعاد موضوع بحران آب و چگونگی مقابله با آن کمک نماید.





برای اینکه موضوع از حالت کلی‌گویی خارج شود، به‌نظرم بهتر است بر روی یک محدوده از مجموع ۶۰۹ محدوده مطالعاتی کشور نگاهی دقیق‌تر انداخته و شرایط پیش‌آمده برای آن را مورد بررسی قراردهیم. بنابراین، چه بهتر که دشت زرند کرمان را مبنای کار خود قراردهیم؛ زیرا جناب آقای محمدی در همین منطقه به باغداری مشغول و به قول خودشان با گوشت و پوست و استخوان مشکلات را لمس کرده‌اند. اگر بتوانیم در این محدوده به توافق نسبی برسیم، باید بگوییم که بقیه دشت‌های ممنوعه کشور نیز تفاوت خیلی آشکاری با آن ندارند.

قبل از هر چیز لازم است نگاهی به آمار و اطلاعات موجود در این دشت بیاندازیم. مطابق گزارشات و اسناد موجود، دشت زرند در سال ۱۳۴۶ دارای ۱۵۰ حلقه چاه بوده که حدود ۷۴ میلیون مترمکعب در سال از آنها برداشت می‌شده‌است. باتوجه به اینکه از همان سال‌ها، اولین نشانه‌های پایین رفتن سطح آب آشکار شده، بلافاصله این دشت به لحاظ قانونی ممنوعه اعلام گردیده‌است و قرار بوده پس از این تاریخ، هیچ‌گونه چاه جدیدی حفر نگردد. اما چنین اتفاقی نیفتاده و حفر چاه بدون وقفه ادامه یافته‌است. نتیجهٔ این برداشتِ بیش از توان سفره، پایین رفتن سالانه سطح آب به میزان متوسط ۱۳۳ سانتی‌متر و کسری سالیانه مخزن ۸۶ میلیون‌متر مکعب بوده‌است. عواقب چنین



کاری، خشک شدن کلیه قنوات داخل دشت، خشک و یا کم آب شدن بسیاری از چاه‌ها، نامناسب شدن کیفیت آب، نابودی و یا در خطر قرارگرفتن سرمایه و دارایی‌های بسیاری از کشاورزان و ده‌ها معضل دیگر بوده‌است. مسلماً اگر این روند ادامه یابد، معضلات هر روز بیشتر خواهندشد.

ما اکنون با دو موضوع روبه‌رو هستیم؛ **اول** چه عواملی باعث به‌وجود آمدن این وضعیت شده‌اند و **دوم** حال که با چنین شرایطی روبه‌رو هستیم چه‌کاری می‌توانیم انجام دهیم. در مورد اول، جناب آقای محمدی عمدتاً مجموعه وزارت نیرو را مقصر این وضعیت می‌دانند! اینجانب ضمن احترام به‌نظر ایشان، معتقدم اگرچه این وزارت‌خانه به سهم خود مقصر است، ولی ابعاد این موضوع بزرگ‌تر از این است که تنها انگشت اتهام را به این سمت نشانه رویم. در روی‌دادن این وضع، دولتمردانی که هیچ‌گاه بحران آب را جدی نگرفتند، نمایندگان مجلس که بدون فهم دقیق مسئله، قوانینی از جمله تبصره ذیل ماده ۳ قانون توزیع عادلانه آب و یا قانون تعیین تکلیف چاه‌های غیرمجاز را به تصویب رساندند و عملاً وزارت نیرو و دادگاه‌ها را ملزم به صدور مجوزهای زیادی بر روی چاه‌ها نمودند و همچنین کشاورزانی که بدون توجه به قوانین، مخصوصاً در سال‌های اول انقلاب بی‌محابا به حفر چاه اقدام نمودند و البته کارشناسانی که به اندازه کافی هشدار ندادند، همه به نوعی شریک هستند. بنابراین، تقلیل اتهامات این موضوع به یک اُرگان خاص دور از واقعیت است.

اما موضوع دیگر این‌است که اکنون چه باید کرد؟ وضعیت منابع آب در کشور ما مثل فرد بیماری است که روی دست ما مانده؛ چگونگی مقابله با این فرد، موضوع مهمی است که افکار و اذهان بسیاری از کارشناسان و ذی‌مدخلان را به‌خود معطوف کرده‌است.

اجازه دهید مجدداً برگردیم به دشت زرند؛ در این دشت از مجموع کل چاه‌ها که ۷۶۶ حلقه با برداشت سالیانه ۲۴۶ میلیون مترمکعب هستند، تنها ۱۵ حلقه از آنها چاه غیرمجاز با برداشت سالیانه حدود یک میلیون مترمکعب می‌باشند. علاوه بر این، طبق قانون تعیین تکلیف، حداکثر آبی که قرار است به این دسته از چاه‌ها داده‌شود، یک دهم میلیون مترمکعب در سال است که در مقابل میزان برداشت چاه‌های مجاز بسیار ناچیز است. بنابراین، همچنان که اعداد و ارقام نشان می‌دهند، مشکل اصلی، این دسته از چاه‌های غیرمجاز نیستند، اگرچه دادن مجوز به همین مقدار ناچیز هم جای ابهام و سوال دارد!

اما اینکه جناب آقای محمدی عنوان می‌کنند: «این کشاورزان هستند که با نابودی سرمایه‌های خود روبه‌رو هستند و مسئولین وزارت نیرو می‌خواهند جور سال‌ها بی‌تدبیری خود را با کاهش آبدهی چاه‌های مجاز و دادن مجوز به چاه‌های فاقد پروانه جبران کنند.» با واقعیت‌های موجود سازگار نیست؛ زیرا مشکل اصلی چاه‌های مجازی می‌باشند که در طول چند دهه گذشته مجوز گرفته‌اند. در واقع، از سال ۱۳۴۶ که دشت زرند ممنوعه اعلام شد، قرار بوده‌است هیچ چاه جدیدی حفر نگردد، ولی چه می‌توان کرد که تعداد چاه‌ها به همان دلایلی که ذکر کردم از ۱۵۰ حلقه به ۷۶۶ حلقه رسیده‌است!

جناب آقای محمدی! به افرادی چون شما باید حق داد که نگران آینده خود باشید، ولی واقعیت این‌است که مشکل دشت‌هایی مثل زرند، راه‌حلی جز کاهش برداشت از چاه‌های مجاز ندارند. اگر چنین کاری انجام نشود، متأسفانه سرانجام دود آن به چشم کشاورزانی چون شما خواهدرفت، ولی برای آن مدیران و کارشناسان اتفاق خاصی نخواهدافتاد.

در پایان لازم است به این نکته نیز اشاره شود که طرح‌های تعدیل و سازگاری با کم‌آبی بدون شک دارای ایرادات و اشکالاتی هستند و چون هنوز به‌طور کامل به مرحله اجرایی نرسیده‌اند، بسیاری از مشکلات آن پنهان مانده‌است؛ ولی اگر واقعاً قرار باشد افرادی چون من و شما برای دشت زرند نسخه‌ای بپیچیم، چه‌کاری می‌توانیم انجام دهیم؟